

خانواده و ارتقا رسانه ملی



سید احمد ساوینز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خانواده و ارتقای رسانه ملی

سید احمد ساویز

مقدمه

ادبیات ایران شاهد نویسندگانی بوده که هم‌زمان با دوران به‌اصطلاح تجدد، با بزرگ‌نمایی کاستی‌ها به زشت‌نگاری از فرهنگ سنتی ایرانیان پرداخته‌اند. این جریان ادبی برای نمونه در رمان‌های نویسندگانی همچون صادق چوبک با ادبیاتی توهین‌آمیز و سخیف به‌وضوح قابل‌مشاهده است. پس از انقلاب، که جهت‌گیری فرهنگی کشور به‌سمت حمایت از خانواده رفت، جریان‌های فکری خانواده‌ستیز نیز هم‌زمان به‌گونه‌ی دیگری ادامه

حیات یافتند. در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، هجوم به اساس خانواده گسترده با فیلم «پدرسالار» شدت گرفت.

«سریالی در ایران درست شد به نام پدرسالار؛ این سریال آغاز زدن اقتدار پدر در سریال سازی ماست؛ زمانی که یک عروس کوچک خانواده علیه یک پدرسالار قیام کرد، خروج کرد و گفت: من دیگر تابع تو نیستم. بخشی از حرف درست است؛ تعامل لازم بوده و ما می‌خواستیم پدرانمان را اصلاح کنیم که دیکتاتورمآب نباش. اما ناخواسته این سرسلسله تولیداتی شد که [اقتدار پدر را نشانه می‌گرفت] و چون ما مبانی نظری [به زبان روز] نداشتیم این بیراهه رفت و [سینمای ضدخانواده] به سرعت روی آن سرمایه‌گذاری کرد.^۱»

۱. امیررضا مافی، کارشناس سینما، برنامه نقد سینما، ۱۳ مرداد ۱۴۰۲، شبکه ۴ صداوسیما جمهوری اسلامی ایران: webion.com/live/tv4?e=0x7ecc0f9.

در این فیلم، که مخاطب ایرانی علاقه‌مند به قصه‌های خانوادگی، غافل از پیام درونی داستان با اشتیاق دنبالش می‌کرد، سیر داستان به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که در انتها زندگی خانوادگی به سبک خانواده گسترده را، که سبک اصیل جامعه ایرانی بود، خاتمه یافته اعلام می‌کرد. به دنبال این مجموعه‌های تلویزیونی، فیلم‌های متعدد دیگری در سینمای ایران ظهور یافت^۲ که تصویری ناکارآمد، نادان و درمانده از پدر ارائه می‌کرد و اعتبار جایگاه پدری را در ذهن مخاطب فرومی‌کاست. پدر مقتدر منطبق بر فرهنگ ایرانی، به پدری عصبی، متعصب، سرکوبگر یا درمانده تبدیل شده بود:

«بسیاری از فیلم‌های متعاقب آن، حاوی تصویرسازی از پدرهای شکست‌خورده زمین‌گیر، بی‌فایده و منشأ خسران است... البته کم نیستند فیلم‌هایی که شمایل باعزت و احترام

۲. مثال‌هایی از این تولیدها عبارت‌اند از: خانه پدری یا چهارشنبه‌سوری.

پدر را در حافظهٔ سینمای ایران نمایندگی کنند؛ اما در یک دههٔ اخیر، این شخصیت‌های تحقیرشده، درهم‌فرو ریخته و آسیب‌رسان بوده‌اند که نقش پدر را در بخش عمده‌ای از سینمای ایران بازنمایی کرده‌اند.^۳»

و به‌نقل از همان تحلیلگر سینما:

«در سریال «شهرزاد» پدرها در آغازِ انفعال هستند. در سریال «خاتون» به انفعال بیشتری می‌رسند و در سریال «جیران» دیگر پدر کاره‌ای نیست! ... ما پدری که به بچه‌اش بگوید «برو هر کاری می‌خواهی بکن» نمی‌خواهیم! این پدری نیست که جامعه بتواند با آن رشد کند.^۴»

۳. میان‌برنامه، برنامهٔ نقد سینما، ۱۳ مرداد ۱۴۰۲، شبکهٔ ۴ صداوسیما
جمهوری اسلامی ایران: webion.com/live/tv4?e=0x7ecc0f9

۴. همان.

شاه قاسمی، استاد دانشگاه، می گوید:

«مرد ایرانی در سال‌های اخیر در قالب انسانی پُرو، زورگو، مفت‌خور، احمق، معتاد و به‌ندرت به‌شکل دیگر تصویر می‌شود. این در حالی است که اغلب مردان ایرانی که ما در دنیای واقعی می‌بینیم، [مردان مسئول و متعهدی هستند که] دو شیفت کار می‌کنند تا خانواده‌شان در یک رفاه نسبی باشد.^۵»

حتی آنجا که به‌بهای کاهش مرجعیت پدر، مادر را بالا می‌برند، در نهایت به ارتقای جایگاه مادر نمی‌انجامد.

«فمینیسم ... مدام در پی انکار هویت مرد و از بین بردن مفهوم جنسیت بود. در این شرایط پیچیده آدم‌هایی که

۵. همان.

می‌خواستند ژست بگیرند، برای آنکه جایگاه زن را بالاتر ببرند، دائماً مرد را کوبیدند. به‌جای اثبات جایگاه والای زن به کوبیدن جایگاه مرد پرداختند. روشنفکران غرب‌اندیش^۱ پدر را تکذیب و انکار کردند؛ با این استدلال که با فروکاستن جایگاه پدر، مادر را بالا می‌برند. حالا به جایی رسیده‌ایم که زن و مادر را هم می‌زنیم؛ چون می‌خواهیم میدان را به نسل جدید بدهیم ... نفهمیدند که اگر پدر را از صحنه خارج کنند، مادر هم آسیب می‌بیند [زیرا حمله به پدر به معنای حمله به قوام خانواده است و بالطبع پس از آسیب به جایگاه خانواده، جایگاه مادر نیز سقوط می‌کند].... آن‌ها می‌خواهند جامعه ایرانی را به اجتماع ایرانی بدل کنند. جامعه ایرانی یک

هم‌بستگی دارد [و] اساس آن بالطبع خانواده است.،
درحالی‌که اجتماع به‌معنای جمعی از افراد مخلوط با هم
است که فردیتشان بر اتصال اجتماعی اولویت دارد؛ بنابراین
باید این را درک کرد که برای شکل‌گیری جامعهٔ ایرانی
مهم‌ترین نهاد، همان نهاد خانواده است.^۶»

جریان دیگری که در سریال‌سازی ما مشهود است، تلاش
برای تخریب وجههٔ مادرانهٔ زنان است. درحالی‌که ما، جز چند
استثنا، سریالی نداشته‌ایم که بر روابط سالم و زیبا درون
خانواده تمرکز کند؛ سریال‌های متعددی داریم که در
آنها زنان بددهنی می‌کنند و با خشونت و طلبکاری،
طعنه و کنایه و هرچیزی جز احترام و دل‌رامی با همسر

۶. همان.

خود مواجه می‌شوند. درواقع این ترسیم دور از طبیعت زنانه، متأسفانه صورت غالب نمایش زنان در سریال‌های تلویزیونی ماست.

چنین القائاتی در بی‌میلی نسل جوان به ازدواج بی‌تأثیر نیست. مشکل آنجاست که حتی وقتی به صورت خودآگاه می‌دانیم این صرفاً نمایش است، مشاهدات بصری مانند سایر تجارب زیسته ما در ذهن ناخودآگاهمان ثبت می‌شوند و تمایلات ناخودآگاه ما را می‌سازند. کدام پسری است که چنین تصویر رسانه‌ای از زنان را به‌عنوان همسر بخواهد؟!

علاوه بر این‌ها، تصویرسازی خانواده اصیل ایرانی که سبک زندگی او منطبق بر اصالت تاریخی ملت است، اغلب منفی است: بیشتر حوادث و فجایع در سریال‌ها برای این خانواده‌ها رخ می‌دهد.

ضرورت دفاع از خانواده

برای مقابله با جریان ضدخانواده در دنیای امروز، تنها خانواده‌ها سهم ندارند و حکومت‌ها نیز باید زمینه را برای رشد و سلامت‌بخشی به خانواده فراهم کنند.

در اغلب جوامع، به‌ویژه در جامعه‌های موحدانه، ارزش‌ها نه در جامعه، بلکه در خانواده زاده می‌شوند و از خانواده به فضای اجتماع تسری پیدا می‌کنند. خانه محل تجلی ارزش‌های الهی است و هیچ نهادی، نه مدرسه، نه دانشگاه و نه رسانه، قادر به ایفای نقش فرهنگ‌آفرین خانواده نیستند. ایثار و ازخودگذشتگی با دیدن رفتار محبت‌آمیز مادر در خانه آموخته می‌شود، صداقت و یک‌رنگی و همدلی و نوازشگری از تجربه‌های عملی درون خانه و در عبور از سختی‌های زندگی شکل

می‌گیرد، و احساس امنیت و اقتدارِ توأم با رحمت از دیدن رفتار پدر حاصل می‌شود. تجربه نشان داده است که انتقال فرهنگ و رشد شخصیت نه با خواندن متون درسی، بلکه در عمل و در مسیر زندگی آموخته می‌شود و خانواده دقیقاً فضای بهینه رشد انسان است که به تدبیر عالی خلقت الهی بنا شده است. خانواده منبع تعلیم و تحکیم ارزش‌هاست و با آسیب دیدن آن، جامعه مهم‌ترین منبع اخلاق و عواطف خود را از دست می‌دهد.

خانواده مهم‌ترین سنگر فرهنگ است. اغلب جوانانی که در دوران انقلاب و دفاع مقدس، رشادت و ایثار را معنا کردند و در برابر دشمنان تاریخی ایران و اسلام ایستادند، تربیت‌شدگان خانه‌های غنی از فرهنگ ایرانی و اسلامی بودند. پس بی‌دلیل نیست که هجمه

فرهنگی دشمنان ایران علیه فرهنگ، پیش از هرچیز نظام خانواده را نشانه رفته و با ترویج رسانه‌های فساد و الگوهای خانواده‌ستیز در روابط اجتماعی، برای دور کردن زنان و شوهران و فرزندان از یکدیگر می‌کوشد. دوری غرب از نظام الهی خانواده با قانونی کردن همجنس‌بازی به مرحله‌ای بازگشت‌ناپذیر نزدیک شده و زنگ خطر را برای تمامی جوامع متأثر از فرهنگ غربی به صدا درآورده است.

در ایران اسلامی، خانواده به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی همواره قدرتمند بوده است، اما هجمه بی‌سابقه و عظیم فرهنگ مدرن سوار بر امواج رسانه‌های سرمایه‌داری غرب، که برای محو فرهنگ‌های بومی در همه‌جای جهان و یک‌دست‌سازی فرهنگی می‌کوشد، در همه‌نقاط دنیا و از جمله کشور ما

آسیب‌ها و لطمه‌های شدیدی را متوجه سلامت نظام خانواده کرده است.

نقطه قوت اصلی ملت ایران در برهه‌های گوناگون تاریخی و مایه اقتدار و بقای آن، فرهنگ ایرانی‌اسلامی بوده است و اگر خدای ناکرده خاکریزهای فرهنگی در این کشور فتح شود، درون مایه انسجام‌بخش ملت، سرچشمه مقاومت، الگوهای ایثار و نگرش‌های امیدآفرین نیز از دست می‌رود. در چنین اوضاعی باید هر ملتی به درستی بداند که سنگرها، مرزها و صف‌های دفاعی فرهنگی کجا هستند و چگونه باید از فرهنگ در برابر هجمه سنگین موجود دفاع کرد.

بر مبنای آنچه بیان شد واضح است که یکی از مهم‌ترین راهبردهای حراست از فرهنگ ایرانی‌اسلامی باید دفاع از

حریم آسیب‌دیده خانواده در عصر حاضر باشد. احیای خانواده و نظام خانواده‌محور در جامعه، کلید عبور از بحران فرهنگی امروز است. باید توجه داشت که پیروزی یا شکست در عرصه احیای خانواده، تعیین‌کننده پیروزی یا شکست در نبرد تمدنی ایران اسلامی با تمدن مادی سرمایه‌سالاری است؛ از این رو حیاتی‌ترین و فوری‌ترین نیاز کشور، احیای نظام خانواده و تقویت خانواده است. راه‌حل اصلی حل بحران جمعیت و نسل‌پروری نیز در احیای خانواده نهفته است. این مسئله برای جمهوری اسلامی ایران که در دنیای امروز پرچمدار توحید و اخلاق است، اهمیت مضاعف دارد و غفلت از آن می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد.

ارتقای رسانه ملی

در توصیفی خوش‌بینانه از محتوای فعلی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت که این محتوا در راستای دفاع از خانواده و ارزش‌های آن بی‌طرف است. مواردی که در ادامه می‌آید می‌تواند به‌عنوان زمینه‌هایی برای اقدام اصلاحی باشد:

▪ منع نمایش منفی از زنان: در حوزهٔ سریال‌سازی،

بسیاری از سریال‌ها با ارزش‌های خانواده هم‌سویی ندارند. نمایش شخصیتی بددهن، طلبکار و طعنه‌زن از زنان، تطابقی با فرهنگ ما ندارد. زنان اغلب در چهره‌ای زرنگ، فرصت‌شناس و در صورت لزوم حاضر جواب نمایش داده می‌شوند. چنین تولیدهایی شاید در سال‌های دههٔ شصت و هفتاد که هنوز مصداق عینی

این رفتارها در جامعه بسیار اندک بود، جذابیت بصری داشت، اما گستردگی و تداوم آن سؤال برانگیز است.

■ **جلوگیری از تخریب چهره خانواده سنتی:** برخی از تولیدها به نحوی کم‌وبیش آشکار علیه خانواده سنتی و طبیعی ایرانی تصویرسازی می‌کنند. نمایش خانواده‌ای شکست‌خورده و متلاشی، اغلب در چیدمان خانه‌ای سنتی ارائه می‌شود. گویی اعتیاد، تصادف، مرگ و بدبختی، کمتر دامان خانواده‌های مدرن را می‌گیرد. آیا همین خانه‌های ساده و بی‌آلایش سنتی نبودند که بارزترین قهرمانان عصر ما در دفاع از کشور را در سال‌های جنگ تربیت کردند؟

■ محدود ساختن نمایش جنایت و خشونت:

تصویر روابط انسانی اغلب با تندگویی، خشونت و فریاد همراه می‌شود تا جذابیت هیجانی لازم را ایجاد کند و به تازگی نمایش بی‌پرده جنایت، سرقت و کلاهبرداری نیز به آن افزوده شده است. آیا به‌بهانه آگاه‌سازی مردم، مجاز به نمایش هر زشتی‌ای هستیم؟ کدام تحقیق به ما نشان داده که نمایش زشتی‌ها عوارض منفی ندارد؟ درواقع آثار مخرب این حجم از الگوسازی‌های بصری در رفتار مخاطبان بسیار فراوان است؛ زیرا انسان ناخودآگاه الگوهای رفتاری را جذب می‌کند، حتی وقتی خودآگاه آن رفتارها را نادرست بداند. به‌تعبیر روان‌شناسان: «دیدن به‌معنای آموختن

است.» به همین دلیل، ترسیم زشتی را در سریال‌های فعلی به‌هیچ‌وجه نمی‌توان با پیامی اخلاقی که در قسمت آخر ارائه می‌شود توجیه کرد.

■ تلاش برای الگوسازی خانواده سالم: درواقع

سینمای خانواده ما، جز استثناهایی انگشت‌شمار (مانند «گذر از رنج‌ها» یا «در چشم باد» یا چند سریال فاخر تاریخی)، ترسیمی از خانواده‌ای سالم و رفتارهای انسانی و معنوی بزرگوارانه میان زن و شوهر، و پدر و مادر و فرزندان، به‌دست نمی‌دهند، اما در مقابل، در صدها مجموعه به ترسیم و تحکیم الگوی خانواده بیمار پرداخته شده که احتمالاً به هنجارسازی و عادی‌سازی آن منجر شده است.

■ **تصاویر قالبی فرزندان:** در صداوسیما ما ترسیم سالمی از روابط فرزندان با پدر و مادر نیز در دست نیست. تولیدهای رسانه‌ای ما در مقابله با فردگرایی تبلیغ شده در مدرنیته قدم چندانى برداشته است؛ در تصویرسازی مدرنیته، فرزندی موفق است که در تجارت یا تحصیلات مدارج عالی ترقی اجتماعی را طی می‌کند و مستقلاً به موفقیت می‌رسد؛ فرزندان چندان به والدین متعهد نیستند و گویی قرار هم نیست چنین باشند. در تولیدهای ما نیز روایت‌های کمی از فرزندان وجود دارد که در راستای دستورات فرهنگ دینی، برای مراقبت از پدر و مادر خود از پیمودن کردن مدارج ترقی فردی چشم پوشیده‌اند و اجر مادی و معنوی یافته‌اند.

■ **ترویج تک‌والدی و بی‌والدی ممنوع:** تصویر پدران غایب در بسیاری از سریال‌ها وجود داشته و دارد. در سریال «خانهٔ سبز»، که از سریال‌های زیبا و پربینندهٔ زمان خود بود، علی کوچولو در نهایت باید زندگی بدون پدر را انتخاب کند. در بسیاری از برنامه‌های وارداتی کودک که در شبکهٔ پویا و نهال به نمایش درمی‌آیند، والدین حضور ندارند. در کارتون به‌ظاهر بی‌ضرر «کشاورز کوچولو»، هرکس در یک خانه (یادآور خانهٔ مجردی) زندگی می‌کند و همه به هم سر می‌زنند و هوای هم را دارند. این موارد به‌صورت ضمنی و بدون آنکه حساسیت ما را برانگیزد، الگوی مطلوب مهندسان اجتماعی سوئد را ترویج می‌کند که اتمیزه و فرد فرد کردن جامعه را می‌خواهند.

■ **تکریم نقش‌های مادری و پدری:** ما به تولیدهایی نیاز داریم که رابطه پدر-فرزندی را در حد اعلاّی آن به تصویر بکشند. درواقع بزرگ‌ترین صحنه‌های بزرگواری انسانی درون خانه‌ها رقم می‌خورد، نه بیرون از آن. ما باید نگاه خود را از برون‌گرایی که ویژگی مدرنیته است بشوییم و حماسه‌ای را که مادری بر بالین فرزند تبادارش می‌آفریند، به همان اندازه گرامی بداریم که حماسه مجاهدان میدان‌های نبرد با دشمنان را تکریم می‌کنیم. صدها مادر شهید پتانسیل عظیمی برای فیلم‌سازی است که از آن بسیار اندک استفاده کرده‌ایم.

■ کنترل جریان تبلیغات: تبلیغ‌های صداوسیما یکی از مخرب‌ترین نقش‌ها را در فرهنگ ایفا می‌کنند. تبلیغ‌های تجاری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران متأسفانه به‌صورتی آشکار و بی‌پرده نماینده ارزش‌های مدرنیته و سرمایه‌سالاری مدرن هستند؛ ارزش‌هایی که شامل حرص زدن، وابستگی به مصرف محصول، و ترویج اشرافیت به‌عنوان ارزش با توهم استاندارد زندگی هستند. در نمونه‌ای از این تبلیغ‌ها، چند جوان بیکار با ظاهری «به‌روز» دیده می‌شوند، که غم‌زده و بی‌هدف هستند. آنگاه نوشابه خاصی به‌دستشان می‌افتد و با باز شدن نوشابه، زندگی رنگ و جلوه پیدا می‌کند و همگی

بطری به دست خوشحال می‌شوند. شعاری که برای آن نوشیدنی نوشته می‌شود این است: این زندگی ماست. بسیاری از تبلیغ‌ها در خانه‌ای با امکاناتی اشرافی تصویر می‌شوند که آشپزخانه آن به تنهایی به اندازه متوسط خانه‌های آپارتمانی بیشتر مخاطبان آن است. چنین نمایش‌هایی جز احساس نارضایتی از داشته‌های خود چه پیامی دارد؟ سبک زندگی مصرفی تصویر شده در تبلیغ‌ها چقدر با زندگی عموم مخاطبان سازگار است؟

در مجموع توصیه می‌شود شورایی با عنوان «سلامت خانواده» متشکل از افراد فرهنگی و آشنا با اصول

تأثیرگذاری روان‌شناختی برای ممیزی تولیدهای رسانه‌ای تشکیل، و هر تولیدی از منظر «آثار بر خانواده ایرانی» بررسی شود و تنها در صورت تأیید و انطباق آن بر اصول این شورا اجازهٔ ارائهٔ گسترده بگیرد.

از همین نگارنده:

کتاب خانواده در تندباد

در بهار ۱۴۰۴ از سوی

نشر معارف منتشر شد.



ارزیابی دفتر خانواده و ازدواج، هم اندیشی اساتید دانشگاه‌ها:

- ✓ خانواده در این اثر نه صرفاً در سطح روابط بین فردی، بلکه در بستر تحولات اجتماعی و تمدنی بررسی شده است که رویکردی عمیق و کم‌نظیر در حوزه مطالعات خانواده محسوب می‌شود...
- ✓ اثر به خوبی تاثیر رسانه‌ها، جریان فمینیسم، سرمایه داری مصرف‌گرا و فردگرایی را در آسیب رسانی به نهاد خانواده تحلیل می‌کند
- ✓ به جای کپی برداری از نظریات غربی، راهکارهایی متناسب با فرهنگ دینی و ایرانی ارائه می‌دهد.

✓ از اصطلاحات پیچیده پرهیز نموده و مخاطب عمومی را نیز همراه می سازد.

اطلاعات بیشتر و شیوه تهیه فوری کتاب در وبسایت دفتر انتشار آثار استاد ساويز asaviz.ir، بخش کتاب‌ها، صفحه کتاب خانواده در تندباد در دسترس است. امکانات ویژه‌ای برای دانشجویان در نظر گرفته شده است. همچنین برای سوالات یا تهیه فوری کتاب می‌توانید با ۰۹۱۲۴۵۹۰۴۱۰ مکالمه یا پیام ارسال فرمایید.

خانواده و ارتقا رسانه ملی

این اثر بخشی است از مجموعه آثار در سایت

asaviz.ir